

روش‌های تعمیق باورهای دینی کودکان و نوجوانان

مسلم گریوانی*

چکیده

آنچه به عنوان یک آسیب تربیتی در روش‌های تعلیم و تربیت مریبان و والدین نمود آشکاری دارد، «تربیت سطحی، صوری و ظاهری» دین به فرزندان و «عدم تعمیق باورهای دینی» است؛ همچنین توجه به «عوامل بیرونی» تربیت است تا عوامل درونی آن و نیز توجه به ظواهر و کنش‌های دینی است تا اصل باورها و ارزش‌های دینی. درونی‌سازی که در روان‌شناسی عاملی مهم در تعمیق باورهای دینی به شمار می‌رود، راهکاری مهم برای رهایی از این آسیب تربیتی است؛ زیرا درونی‌کردن یک ارزش و فضیلت، عمیق‌ترین و پایدارترین پاسخ به نفوذ اجتماعی است. در این مقاله با تبیین مفاهیم کلیدی و رویکردهای مختلف تربیتی، به تبیین جایگاه تعمیق باورها در متون دینی پرداختیم و با مراجعه به متون دینی به روش‌هایی سازمان‌یافته در حوزه تعمیق باورهای دینی رسیدیم که در این مقاله تلاش شده است با یک صورت‌بندی نو ارائه شود.

کلیدواژه‌ها

تربیت دینی، تعمیق باورها، حس مذهبی، کودکان، نوجوانان.



بی‌تردید دوران کودکی با انعطاف‌ترین و مؤثرترین دوره در طول زندگی انسان است. در واقع از لحظه‌ای که انسان پای بر صحنه دنیا می‌گذارد، شکل‌گیری شخصیت او نیز آغاز می‌شود و در این میان، طلایی‌ترین دوره، دوره کودکی اوست. می‌توان گفت باقی عمر آدمی، برداشت میوه‌هایی است که بذرش در دوران کودکی کاشته شده است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «آنچه انسان در دوره کودکی فرا می‌گیرد، چون نوشته‌ای است که بر سنگ حک می‌شود و بسیار سخت و دیر از یاد خواهد رفت» (نوری طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ص ۶۲۶). روان‌شناسان معتقدند که یادگیری انسان در دوره کودکی بسیار سریع‌تر و ماندگارتر است (پیاژه، ۱۳۸۳: ص ۲۲). تجربه نیز اثبات می‌کند که انسان در پابندی به آنچه در دوران کودکی فرا گرفته است، استواری بیشتری از خود نشان می‌دهد.

ناگفته پیداست که آنچه این دوران طلایی و شکوفه‌ها را به ثمر می‌نشانند، والدین و مربیان هستند؛ بنابراین آنچه در امر تعلیم و تربیت اهمیت فراوانی دارد، اهتمام والدین و مربیان به تربیت کودکان و نوجوانان افزون بر تغذیه آنهاست.

ما در این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش هستیم که چگونه می‌توان فرزندان خود را علاوه بر تربیت جسمی، از نظر روحی، فکری و معنوی نیز پیروانیم و تربیت آنها را تعمیق دهیم. اساساً تربیت عمقی (فکری و معنوی) چیست و چه عوامل و موانعی دارد؟

در اینجا لازم است نخست به مفهوم‌شناسی و نیز جایگاه موضوع پرداخته و سپس رویکردهای مختلف درباره تربیت دینی را نقل و نقد نماییم:

۱. مفهوم‌شناسی و جایگاه تعمیق باورهای دینی

۱-۱. مفهوم تعمیق باورهای دینی

تعمیق باورها در ادبیات روان‌شناسی، «درونی‌سازی» نام دارد. امروزه روان‌شناسان تحت تأثیر بودن رفتار فرد یا گروه از سوی دیگران را به سه دسته تقسیم می‌کنند: متابعت، همانندسازی یا الگوگیری و درونی‌سازی (ارونسون الیوت، ۱۳۸۰: ص ۳۲-۴۳). به منظور تبیین این سه مدل و نیز مفهوم عمیق درونی‌سازی در امور تربیتی مثالی ارائه می‌کنیم: رعایت قانون حداکثر سرعت، مثال خوبی برای تبیین این سه مرحله است: کسی که از ترس جریمه، سرعت اتومبیل خود را

متعادل می‌کند، رفتارش نمایشگر پیروی از قانون است؛ اما کسی که از این قانون بدین دلیل پیروی می‌کند که همواره پدر یا الگو و ستاره مورد علاقه او این قانون را اطاعت می‌کند، این رفتار فرد همانندسازی است؛ ولی نفر سوم شخصی است که قانع شده و به این باور رسیده است که قوانین سرعت، خوب و درست هستند و برای حفظ امنیت افراد تدوین شده‌اند و از این رو قانون را رعایت می‌کند، این کارش درونی کردن است (خادمی، ۱۳۸۹: ص ۵۰).

بنابراین مقصود از درونی سازی یعنی پذیرش یا سازگاری باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و معیارها به‌مثابه آن چیزهایی که به خود فرد تعلق دارد؛ طوری که آن کار جزیی از وجدان شخصی شود؛ به‌گونه‌ای که نقض آن ارزش نزد شخص طبیعی، احساس خطا و شرم برانگیزد و شخص تعهد وجدانی دارد که آن را محترم شمارد.

ناگفته پیداست که درونی کردن از متابعت و همانندسازی پایدارتر است؛ زیرا مبتنی بر یک عامل درونی است تا عامل بیرونی (الگوگیری یا تبعیت‌پذیری) و نیز مبتنی بر انگیزه شخص برای صحیح بودن است و همچون متابعت بستگی به نظارت مداوم عاملان پاداش یا تنبیه ندارد و یا همچون همانندسازی به احترام پیوسته برای شخص یا گروهی که با آن همانندسازی می‌کند منوط نیست. جزء مهم متابعت، قدرت است؛ درحالی‌که در همانندسازی، عنصر مهم جاذبه و کشش است؛ ولی در درونی کردن، جزء مهم، قابلیت قبول است.

با روشن شدن مفهوم درونی‌سازی به‌نظر می‌رسد یکی از مباحث ضروری در شرایط فعلی و در عرصه تعلیم و تربیت، بررسی شیوه‌های درونی‌کردن مفاهیم دینی نزد کودکان، نوجوانان و جوانان است؛ زیرا درونی‌کردن یک ارزش و فضیلت، عمیق‌ترین و پایدارترین پاسخ به نفوذ اجتماعی است.

اگر مفاهیم اعتقادی (باورها) و اخلاقی (ارزش‌ها) درونی شود، دیگر امواج بدون دیوار رسانه‌های ارتباطی و ماهواره‌ها، نمی‌توانند دل‌های فرزندان ما را تسخیر کنند و موج فرهنگی و تبلیغی ناخواسته، کارکردهای دیرینه و آموزش‌های رسمی مراکز فرهنگی را یک شبه نقش بر آب کند.

۱-۲. جایگاه تعمیق باورها در متون دینی

در متون دینی در زمینه تعمیق باورها یا درونی‌سازی، تأکید فراوانی بر دریافت‌های فطری و درونی شده است و این مبنای پایه درونی‌سازی و تعمیق باورهاست. قرآن از ارزش‌هایی درونی



خبر می دهد که از آغاز تولد با او همراه است: «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوِيَهَا»؛ آن گاه خداوند به نفس انسان، فجور و تقوای آن را الهام کرد (شمس: ۸).

امام علی علیه السلام یکی از اهداف بعثت انبیا را احیای ارزش ها از درون انسان ها بیان می کند: «لِيُثْبِتُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ» (نهج البلاغه، خ ۱)؛ خداوند پیامبران را برانگیخت تا گنجینه های فکری و درونی آنها را از درون برانگیزد.

پس از نزول آیه: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ؛ در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید» (مائده: ۲)، یکی از مسلمانان مدینه به نام وابصه، تصمیم گرفت درباره واژه های «برّ، تقوا، اثم و عدوان» از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بپرسد. وقتی نزد ایشان آمد، حضرت فرمود: وابصه! من بگویم که چه می خواهی بررسی یا خودت می بررسی؟ وابصه گفت: شما بگویند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آمده ای از من بررسی برّ و اثم یعنی چه؟ لازم نیست در این باره از کسی چیزی بررسی. آن گاه سه انگشت خود را جمع کرده و به آرامی به سینه می زند و می گوید: از دلت بپرس، از خودت سؤال کن. آن گاه می افزاید: برّ (نیکی) چیزی است که دل و جان انسان با داشتن آن اطمینان می یابد و در مقابل، گناه چیزی است که در قلب انسان اضطراب و نگرانی برمی انگیزد و در سینه در حال آمد و شد است و انسان نمی داند با آن چه کند (مطهری، ۱۳۹۲: ص ۳۳).

در روایاتی دیگر از این حالت به عنوان برخورداری از واعظ درونی یاد شده است. امام سجاد علیه السلام می فرماید: «ای فرزند آدم، تو همواره در مسیر خیر و خوبی قرار داری، مادام که واعظی از درون داشته باشی و مادام که حساب رسی خویشتن از کارهای اصلی تو باشد (مجلسی، ۱۴۰۲، ج ۷۵: ص ۱۳۷).

امام علی علیه السلام نیز می فرماید: «آگاه باشید آنکه به خویش کمک نکند تا واعظ و مانعی از درون جانش برای او فراهم گردد، موعظه و اندرز دیگران در او اثر نخواهد داشت» (نهج البلاغه، خ ۸۹). بنابراین آنچه به عنوان یک آسیب تربیتی در تعلیم و تربیت مریدان و والدین نمود آشکاری دارد، «تربیت سطحی، صوری و ظاهری» دین به فرزندان و عدم تعمیق باورهای دینی، همچنین توجه به «عوامل بیرونی» تربیت است تا عوامل درونی آن؛ نیز توجه به ظواهر و کنش های دینی است، تا باورها و ارزش های دینی.

مطابق بیانی از امام رضا علیه السلام ایمان لایه ها و سطوح مختلفی دارد: «الْإِيمَانُ عَقْدٌ بِالْقَلْبِ؛ ایمان

عبارت است از گرایش قلبی (احساسات و گرایش‌ها و عشق‌ورزی به خدا و دوستان خدا) «و لَفْظٌ بِاللِّسَانِ؛ بیان زبانی (خواندن اذکار و نماز و قرآن)». «و عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ؛ و عمل با اعضای بدن است (انجام اوامر الهی)» (فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۰۲).

بنابراین ایمان و مفاهیم دینی، چند لایه دارد و صرفاً اعمال و اذکار نیستند؛ بلکه از مقوله گرایش و میل نیز هستند و با جنبه روحی و عاطفی انسان سر و کار دارند و از این مسیر انسان می‌تواند با خدا رابطه برقرار کند؛ ولی از آنجا که ایمان بدون التزام عملی بی‌معناست، در گفتار و کردار انسان نیز منعکس می‌شود؛ بنابراین ایمان متشکل از این سه جنبه است و غفلت از هر لایه در تربیت کودک به معنای نقص در تربیت ایمانی کودک است.

۲. رویکردهای مختلف به تربیت دینی

امروز دو رویکرد اصلی و پرتعداد در باره تربیت دینی کودک و نوجوان مطرح است:

۲-۱. رویکرد برون‌گرا (متابعت)

متابعت، رفتار فردی را توصیف می‌کند که به منظور کسب پاداش و یا اجتناب از تنبیه و یا با تحمیل و اکراه بیرونی برانگیخته شده باشد؛ همچون راننده‌ای که به سبب جریمه نشدن، قوانین را رعایت می‌کند یا دانش‌آموزی که به خاطر تنبیه ناظم مدرسه، ناخن‌هایش را می‌گیرد. والدین و مربیان نسل‌های گذشته این مدل تربیت بیرونی را پی می‌گیرند که ویژگی‌های آن عبارت است از:

- در این مدل، تربیت والدین محور و مربی مدار را دنبال می‌کنند؛ یعنی اگر معلم و والدین خوب نباشند، کودک خوب تربیت نمی‌شود.

- در این رویکرد بر عادت کودکان بر رفتارها و شعائر دینی تأکید فراوان می‌شود.

- سخت‌گیری از ویژگی‌های این رویکرد تربیتی است.

- امر و نهی، توبیخ، سرزنش، تحقیر و تنبیه بر این مدل تربیتی حاکم است؛ از این رو فرزندی که در این مدل تربیت می‌شود، بیشتر بر اساس ترس است تا شوق.

آسیب‌های این رویکرد تربیتی عبارت‌اند از:

- تربیت اغلب آمرانه و ناهمبانه یا باید و نبایدی است، نه محبت‌محور.

- تربیت عوامانه است، نه عالمانه.



- تربیت تویخ محور یا خانفانه و ترسناک است، نه تشویق مدار، شائقانه و شوق‌ناک.
- تربیت بیشتر بیرونی یا مربی و والدین محور است تا درونی و فطرت‌محور؛ یعنی کار مربی بیرون (والدین، مربیان، روحانیون، فعالان فرهنگی) این است که باید به سراغ مربی درون کودک رفته و آن را فعال کنند.

- تربیت سطحی است نه عمقی؛ یعنی از دین فقط شعائر دینی مانند خم و راست شدن‌های نماز را می‌آموزیم، نه حقایق و معارف دین همچون اسرار و فلسفه نماز را.

۲-۲. رویکرد درون‌زا (دیدگاه معاصران)

نقطه مقابل این روش تربیتی، رویکرد برخی نویسندگان، روشنفکران و بعضی کارشناسان تربیتی معاصر است. این دسته به شدت از تکیه بر عوامل بیرونی تربیت مانند امر و نهی کردن والدین، آموزش دادن مربیان، گفتن و تذکر دادن، تویخ و تنبیه و اموری مانند آن پرهیز داشته و تنها بر زمینه‌سازی و درونی‌سازی مفاهیم دینی تأکید دارند. ایده اصلی این رویکرد تربیتی آن است که یکی از کارشناسان می‌گوید:

عده‌ای تصور می‌کنند جریان تربیت باید از طریق ادامه آموزش‌ها، یاددهی‌ها و اطلاعات بیرونی شکل گیرد؛ حال آنکه تربیت، امری اکتشافی است، نه اکتسابی. حتی اگر ما قصد آن را داشته باشیم که متربی را به سعادت واقعی خود برسانیم باید شرایطی فراهم آوریم تا سعادت خویش را در درون خود کشف کند، نه آنکه ما سعادت را از بیرون برای او ابداع و اختراع کرده و در اختیار او بگذاریم (کریمی، ۱۳۸۹: ص ۳۳).

مقصود از تربیت بیرونی، همین تربیت رایج است؛ یعنی با امر و نهی، آموزش، سرزنش و مانند آن.

این رویکرد نیز به‌رغم قوت‌هایی که دارد، خالی از آسیب نیست. این دسته گاه چنان در روش خود مبالغه می‌کنند که وقتی از والدین می‌شنوند که فرزندان خود را به نماز و حجاب و دین سفارش می‌کنند و آموزش می‌دهند و کوتاهی درباره آنها را سرزنش می‌کنند، چنان عتاب و غضب می‌کنند که گویی آنها دچار معصیت کبیره شده‌اند! بی‌گمان این رویکرد البته درست است، ولی مبالغه‌آمیز است و تأکید یک‌جانبه بر امر درونی و رها کردن امر و نهی و سفارش خوش‌زبانی و توصیه‌های دلسوزانه صحیح نیست؛ چنانچه خواهیم گفت که در متون دینی تأکید شده است که مبدا سفارش و بلکه وادار کردن و عادت دادن کودکان به مسائل دینی فراموش

گردد.

۲-۳. تربیت عمقی و توحیدی (رویکرد برگزیده)

عامل تربیت انسان در رویکرد سوم به فرزندپروری، نه صرفاً درونی است و نه بیرونی؛ بلکه تربیت در این رویکرد گرچه مبتنی بر تعمیق باورهاست، از وجوه و عوامل بیرونی تربیت، غافل نیست. تربیت در این رویکرد:

- درون‌گراست؛ زیرا تربیت از درون متربی آغاز می‌شود، نه از بیرون او. روش انبیا به عنوان معلمان بیرونی انسان، تنها این است که دفینه‌های درونی او را آشکار کنند و فعلیت ببخشند نه اینکه به طور مستقل تأثیر تربیتی داشته باشند.

- برون‌نگر است؛ زیرا انسان افزون بر ناصح و معلم درونی (فطرت)، به خیرخواه بیرونی هم نیاز دارد؛ زیرا نفس و فطرت انسان گاهی گول نفس و نفسانیات را خورده و اغفال می‌شود و اینجاست که نقش پیامبران، عالمان، روحانیان، معلمان و والدین ظاهر می‌شود. همچنین علاوه بر خودجوشی معنوی، متأثر از محیط و نظامات بیرونی نیز هست؛ بنابراین تکیه بر فطرت و خودجوشی درونی کافی نیست.

- مهم‌تر از همه اینکه تربیت در این رویکرد تأکید جدی بر توحید دارد؛ زیرا عامل اصلی تربیت انسان خداوند و یاری جویی از اوست. در نگرش توحیدی و دینی، تمام عوامل درونی و بیرونی تربیت، متأثر از حقیقتی به نام خداست. مربی اصلی انسان خداوند است و مریدان دیگر از انبیا، اولیا، مریدان و والدین، مظهر ربوبیت حق تعالی هستند. بر اساس قرآن اگر خداوند اراده نکند، کسی تربیت و تزکیه نخواهد شد.^۱

۳. اقسام و روش‌های تعمیق باورهای دینی

بر اساس تعریفی که از ایمان گذشت می‌توانیم ایمان دینی را به درختی تشبیه کنیم که اجزای این درخت دارای چهار جزء اصلی است: ریشه، تنه، شاخه و میوه. مقصود از ریشه همان باورهاست (عقاید)؛ مقصود از تنه همان ارزش‌ها و معنویت‌هاست (اخلاق و معنویت)؛

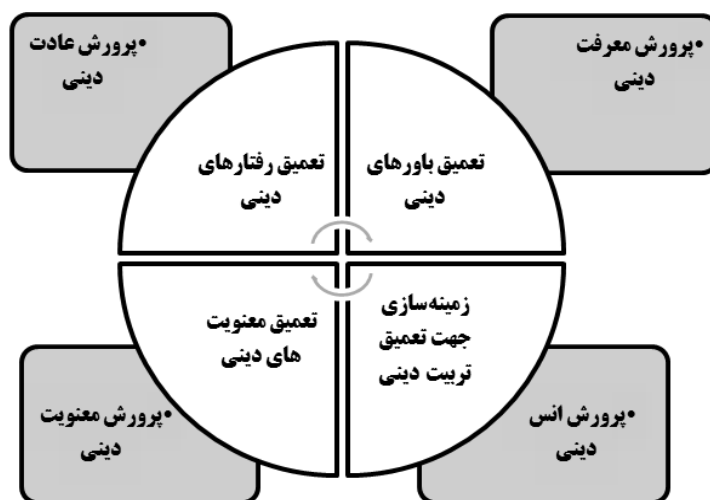
۱. «وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مَنٌ أَحَدٌ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هرگز هیچ‌کس از شما پاک نمی‌شد، ولی [این] خداست که هر کس را بخواهد پاک می‌گرداند و خدا [است که] شنوای داناست» (نور: ۲۱).



مقصود از شاخه همان اعمال (و احکام عملی) است و مقصود از میوه ثمراتی مانند آرامش، رضایت، رستگاری و سعادت دنیا و آخرت آدمی است.

بنابراین ایمان زمانی تعمیق می‌یابد که از سطح زبان به عمق باطنی باورها و ارزش‌ها سرایت یابد و مفاهیم دینی از روزنه گوش انسان‌ها به دریچه عقل و نیز درون قلب آنها نفوذ یابد؛ یعنی درونی‌سازی ارزش‌ها و باورهای دینی از لقلقه زبان بودن به عمل منجر شود و این با «عادت دینی» ممکن است؛ آن‌گاه از حالت عادت و تقلیدی‌بودن ریشه عقلانی و معرفتی داشتن به خود بگیرد و این با «تربیت معرفت دینی» امکان‌پذیر است. آن‌گاه به روحیات و معنویت باطنی تبدیل گردد که با «تربیت معنویت دینی» ممکن است. البته پیش از همه اینها، ترغیب‌سازی کودکان به مسائل دینی اهمیت دارد و آن با «تربیت انس دینی» امکان‌پذیر خواهد بود؛ بنابراین ابعاد و روش‌های تعمیق باورها در چهار حوزه خلاصه می‌شود:

۱. پرورش انس دینی: هم‌جواری‌ساختن روح کودک با مظاهر معنوی و حس مذهبی (ویژه شش سال نخست کودکی)؛
۲. پرورش عادت دینی: (تقویت اعمال دینی) عادت‌دادن کودک به عبادت و رعایت ضوابط دینی (ویژه شش سال دوم کودکی)؛
۳. پرورش معرفت دینی (تقویت افکار دینی) بیان معقول و تحلیلی اصول و تعالیم دینی (ویژه نوجوانان)؛
۴. پرورش معنویت دینی (تقویت احوال دینی) ایجاد اشتیاق به خداوند و رها کردن او در عرصه بندگی (ویژه نوجوان و جوان).





مثال غذا و فرد گرسنه می‌تواند برای تقریب بهتر موضوع به والدین و مربیان کمک کند. غذایی که آماده می‌شود زمانی فرد آن را با اشتها تناول می‌کند و جذب بدنش می‌شود که این گام‌ها را طی کرده باشد:

گام اول - ایجاد آمادگی: غذا دادن تنها برای کسی است که آمادگی غذا خوردن دارد؛ ولی اگر فرد سیر باشد و میل به غذا نداشته باشد، نه تنها نمی‌خورد، بلکه ممکن است سبب احساس تنفر نیز بشود. درباره بسیاری از ما انسان‌ها چون معارف اسلامی همیشه آماده در جلوی ما بوده است، احساس سیری می‌کنیم. برخی از معلمان و مبلغان، بدون اینکه بدانند مخاطب چه چیزی را نیاز دارد ارائه می‌کنند و این موجب واپس‌زدن معارف و گاه آزار افراد می‌شود؛ از همین رو وقتی مشاهده می‌شود در شبکه‌های صداوسیما یک روحانی در حال صحبت است، مخاطب احساس می‌کند آن معلم یا مبلغ، سخن مورد نیاز او را نمی‌زند و شبکه را تغییر می‌دهد؛ مانند اینکه فردی سیر باشد یا نداند چه غذایی را دوست دارد و با این حال، انواع مختلف غذاها را جلوی او بریزند.

گام دوم - ترغیب به غذا: وقتی با احساس نیاز و عطش آمادگی ایجاد شد، باید ترغیب به غذا کرد. اینکه اولاً نام غذا را بیاوریم، سپس ویژگی‌ها و محاسن غذا را بازگو کنیم، نه معایب آن را که مثلاً شورتر، تندتر یا ملس‌تر از دیگر غذاهاست، در این صورت فرد گرسنه و تشنه، تحریک به غذا خوردن می‌شود و از این رو با اشتهای کامل غذا می‌خورد. در ارائه پیام دینی و معارفی نیز باید عطش ایجاد کنیم، از محتوای پیام و جاذبه‌های آن بگوییم، نه از تکلیف‌بودن و واجب‌بودن آن. امام رضا علیه السلام فرمود: «محاسن کلام» دین را بازگو کنید. (مجلسی، ۱۳۴۲، ج ۲: ص ۲۲۷). اینجاست که مذاق جان مخاطب فعال می‌شود و برای دریافت محتوای پیام دینی ترغیب می‌گردد.

گام سوم - عرضه کردن غذا: اکنون که فرد هم احساس نیاز کرد و هم ترغیب شد، وقت آن است که غذا را در برابرش ظاهر کنیم. درباره پیام و محتوای دینی نیز زمانی که فرد هم احساس نیاز کرد و هم ترغیب شد، جانش با فریاد اعلام نیاز می‌کند.

گام چهارم - جذب و هضم غذا: خوردن غذا کافی نیست؛ بلکه جذب شدن آن به بدن است که موجب رشد و تغذیه فرد می‌شود. در پیام دینی نیز نفس شنیدن، دیدن و خواندن موجب رشد نمی‌شود؛ بلکه این محتوای تربیتی باید در جان او بنشیند و به تعبیر روان‌شناسان درونی‌سازی شود و با جان او متحد گردد تا به رشد و پرورش فکری و معنوی او تبدیل شود.



یکی از دلایل اینکه تلاش‌های والدین و عملکردهای مدارس برای تربیت کودکان و نوجوانان به ثمر نمی‌نشیند یا نتیجه دلخواه را نمی‌دهد، بی‌توجهی به این مراحل و مراتب پرورشی است، به بیان دیگر مهم‌ترین آسیب تربیت دینی ما این است که پیش از آمادگی، نیاز و ترغیب، محتوای معارفی دین را به مخاطبان (فرزندان، دانش‌آموزان و دانشجویان) عرضه می‌کنیم. امیل شارتیه، مربی فرانسوی می‌گوید: «بزرگ‌ترین هنر معلم و مبلغ، گرسنه کردن ذهن مخاطب است تا مخاطب خود شکار خود را بیابد» (کریمی، ۱۳۸۹: ص ۱۲۹).

سقراط حکیم نیز می‌گوید: «هدف تربیت، ایجاد نیاز به حقیقت در یادگیرنده است، نه ارائه حقیقت. احساس نیاز به حقیقت، مهم‌تر از ارائه حقیقت است» (کریمی، ۱۳۸۹: ص ۵۰-۵۵).

و به تعبیر مولوی:

آب کم جو تشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالا و پست

(مولوی، مثنوی، دفتر ۳: بیت ۳۲۱۲)

در طلب زن، دائماً تو هر دو دست که طلب در راه نیکو رهبرست

(همان: بیت ۹۷۹)

ناگفته پیداست که اگر مفاهیم اخلاقی درونی شود، دیگر امواج بدون دیوار رسانه‌های ارتباطی و ماهواره‌ها، نمی‌توانند دل‌های جوانان ما را تسخیر کنند. اکنون پرسش این است که چگونه این مراحل باید طی شود؟

۴. شیوه‌های تعمیق باورهای دینی کودکان

در اینجا بر اساس روش‌های چهارگانه‌ای که گذشت، به بررسی شیوه‌های عملیاتی تعمیق باورهای دینی کودکان و نوجوانان می‌پردازیم:

۴-۱. شیوه‌های تعمیق در حوزه ایجاد انس دینی

کودک تا با مفاهیم دینی مانوس و مرتبط نباشد، قادر به انجام آنها نیز نخواهد بود؛ بنابراین گام نخست تعمیق باورهای دینی، انس دینی به معنای همجواری روح کودک با مظاهر معنوی و حس مذهبی است و این زمانی است که در فضای دینی قرار گیرد، در مراسم‌های دینی شرکت کند، نماز خانوادگی را تجربه کند، مفاهیم دینی به گوش و چشم و لامسه و ذائقه وی خورده باشد و با مفاهیم دینی بیگانه نباشد.

برخی از راهکارهای ایجاد انس دینی در کودکان:

۱. توجه به نکات ایمانی در سال‌های اولیه تولد: از جمله زمزمه توحید بر گوش فرزند را فراموش نکنید. قرائت اذان در گوش راست و اقامه بر گوش چپ کودک، ذکری است که محتوای آن شهادت به توحید و بزرگی خداوند است.
۲. استفاده از الگوها و نمادها: کودکان در چهار تا پنج‌سالگی از طریق نمادسازی به تفکر می‌پردازند؛ مثلاً برای ابراز احساس ترس و اضطراب خود، شکل هیولا یا غول می‌کشند و چیزهای خوب را به صورت فرشته یا موجود مهربان ترسیم می‌کنند (نوذری، ۱۳۹۶: ص ۱۱۹). پس برای انتقال مفاهیم خیر و شر به کودکان می‌توان از این‌گونه الگوها سود جست؛ مثلاً برای انتقال زشتی دروغ، تصویر کودکی را بکشیم که اخمو، ترسناک و بد سیماست و برای انتقال مهربانی خدا، نعمت‌های زیبای خدا را به تصویر بکشیم و درباره آنها با کودک صحبت کنیم.
۳. فضاسازی: ایجاد فضای سالم معنوی در منزل یا مدرسه، فرزندان و شاگردان را ناخودآگاه به سوی هدف‌های مطلوب رهنمون می‌شود. فضاسازی، نمودهای گوناگون دارد: از نصب تابلوی زیبای خوشنویسی و نقاشی و نوشتن سخنان حکمت‌آمیز و اشعار آموزنده گرفته تا عمل صالحانه‌ای که مریدان و والدین بچه‌ها در منزل و مدرسه از خود ارائه می‌دهند. عایشه همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌گوید که هرگاه با پیامبر، گرم گفتگو بودیم و وقت اذان می‌شد، حضرت یک‌باره از ما کناره می‌گرفت و چنان دگرگون می‌شد که گویا نه ما او را می‌شناسیم و نه او ما را (طباطبایی، ۱۳۸۵: ص ۲۹۵).
- درباره استاد مطهری نقل شده است که وی در اتاق شخصی‌اش یک تابلوی «الله» را با نون سبز (شب‌نما) نصب کرده بود و به هنگام شب، این تابلو جلوه‌گر بود و توجه اعضای خانواده را به خود جلب می‌کرد.
۴. حضور در مراسم‌های مذهبی مانند لیالی قدر، ایام محرم و صفر، مراسم زیارت عاشورا، دعای کمیل و....
۵. تعیین محل خاص در منزل برای اقامه نماز؛ چون هر زمان آنجا را می‌بیند به یاد نماز می‌افتد.
۶. معطرکردن خود به هنگام نماز
۷. گفتگوهای دینی در منزل: یکی از راه‌های مهم تقویت رابطه و ایمان فرزندان با خدا استفاده از این دستورهاست. در سیره امام سجاد علیه السلام آمده است که ایشان کودکان را جمع می‌کرد و خطاب



به آنها می فرمود: «من دعا می کنم، شما هم آمین بگویید» (چنارانی، ۱۳۸۳: ص ۵۳). چنانچه امام صادق علیه السلام می فرماید: «وقتی بچه هفت ساله شد، به او بگوید دست و صورتش را بشوید و نماز بخواند؛ ولی هنگامی که نه ساله شد، وضوی کامل و صحیح را به او یاد دهید و دستور اکید دهید که نماز بخواند و...» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱: ص ۴۲۴).

۴۲. شیوه‌های تعمیق در حوزه ایجاد عادت دینی

اگر ناتوانی بخواند بار سنگینی بردارد، برای او دشوار است، ولی اگر سال‌های متمادی زورآزمایی و تمرین کند، عادت کرده، قوی می شود و آن بار سنگین را به آسانی برمی دارد. در امور دینی و معنوی نیز اگر کسی کاری واجب را به سختی انجام دهد، بعدها برای او عادی می شود یا اگر حرامی را بارها ترک کند، ترک این حرام برای او عادی می شود. علامه حلی درباره دلیل روزه گرفتن کودک هفت ساله می گوید:

ما معتقدیم روزه کودک یک نوع تمرین بر عبادت است؛ لذا روزه بر کودک هفت ساله در صورتی که توان و طاقت آن را داشته باشد، مستحب است تا در زمان بلوغ به انجام آن دعوت شود و نیز باعث می شود نفس انسان ملکه پذیرش انجام واجبات را پیدا کند و از اخلاق ناپسند دور باشد (حلی، ۱۳۸۱، ج ۳: ص ۴۸۶).

یکی از مشکلات والدین این است که وقتی فرزند ما به سن بلوغ می رسد، نه به حجاب رغبت دارد و نه به نماز و مسجد و زیارت و روزه! راز این بی رغبتی همین نکته است که آنها را از دوران کودکی به رفتار دینی عادت نداده ایم. وقتی فرزند ما پیوسته عملی را انجام دهد، به ملکه تبدیل خواهد شد و در سن بلوغ و بزرگسالی دیگر ملال آور نخواهد بود (امینی، ۱۳۸۸: ص ۱۱۲). فرمول تربیت با لحاظ این نسخه (عادت دینی) چنین است:



خانواده‌هایی که از دوران کودکی، رفتارهای دینی را در کودکان تمرین نمی دهند، در دوران بلوغ و نوجوانی معمولاً با مشکلات جدی روبه‌رو می شوند؛ زیرا کسی که انجام تکالیف دینی را تا مرحله نوجوانی یا جوانی و بزرگسالی به تأخیر انداخته است، هرچند معتقد به موازین دینی باشد، به دلیل نبود تمرین عملی و آمادگی روحی و عادت رفتاری نمی تواند به راحتی به اعمال دینی عمل کند. اغلب کسانی که در سنین بالاتر وظایف عبادی خود را انجام نمی دهند،

بی‌اعتقاد به مبانی دینی نیستند؛ بلکه آنها معمولاً کسانی هستند که پیش‌تر ورزیدگی لازم را به دست نیاورده‌اند؛ بنابراین استدلال کسانی که معتقدند طفل پس از رسیدن به حدّ تشخیص، خود باید مسیر خویش را انتخاب کند و نباید پیشاپیش عادت به تکالیف دینی را در او به‌وجود آورد، درست نیست. اگر این استدلال صحیح باشد، باید تربیت را تا رسیدن به سن تشخیص تعطیل کرد؛ حال آنکه تربیت به یک معنا چیزی جز ایجاد عادت‌ها (البته با چاشنی انس و معرفت دینی) در کودک نیست.

راهکارهای ایجاد عادت دینی عبارت است از:

۱. بیدارکردن کودک در سحرهای ماه مبارک رمضان، گرچه روزه نگیرد!
۲. بیدارکردن کودک برای نماز صبح، البته هر از چند وقت.
۳. کودک را با خود به مسجد بردن.
۴. وقتی کودک به حجاب علاقه دارد، از او دریغ نکنیم.
۵. خواندن نماز جماعت در یک روز خاص در هفته.
۶. توجه به استمرار اعمال دینی در دبستان: پیش از دبستان فرزند در منزل با مشاهده اقامه نماز، تلاوت قرآن و انجام فرایض دینی از سوی اطرافیان به تقلید از آنان می‌پردازد. در دوره دبستان نیز لازم است بر استمرار عمل کودکان نظارت شود.

۴-۳. شیوه‌های تعمیق در حوزه ایجاد معرفت دینی

این شیوه برای دوره نوجوانی مناسب است. تا اینجا هم به تربیت عادت دینی فرزند شما توجه شده و هم به تربیت انس دینی او. اکنون فرصت مناسبی است تا مباحثی مانند خداشناسی، آفرینش، احادیث پیامبر، اشعار شاعران بزرگ و... به فرزند آموزش داده شود. مقصود ما از تربیت معرفت دینی، انتقال مفاهیم، معارف و حقایق دینی از طریق دلیل و استدلال و نیز تعقل و تحلیل مسائل به نوجوان است.

روش‌های ایجاد معرفت دینی در نوجوانان:

۱. پرسشگری: پرسشگری کلید معرفت و تعمیق معرفت دینی است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْعِلْمُ خَزَائِنُ مِفْتَاحُهُ السُّؤَالُ فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّ فِيهِ أَرْبَعَةٌ مَا جُورَ...؛ دانش و معرفت، گنجینه‌ای است که کلید آن پرسش است. پس پرسشگری کنید تا رحمت خدا شامل حالتان شود» (مجلسی، ۱۳۴۲، ج: ۱، ص: ۱۹۷).



این روایت حاوی یک نکته فلسفه تربیتی است. پیامبر صلی الله علیه و آله کلید دانش را در پرسشگری می‌داند؛ درحالی‌که امروزه سؤال کردن ابزاری در دست معلم برای سنجش است؛ اگر نگوئیم ابزار رنجش!

در متون دینی، ترغیب کودکان به پرسش و پاسخگویی با هدف ایجاد تفکر و تعمیق معرفت دینی تأکید شده است (گریوانی، ۱۳۹۶: ص ۴۲-۵۵).

روزی امام علی علیه السلام از فرزندانش حسن و حسین علیهما السلام در چند موضوع پرسش‌هایی کرد و هر کدام با عبارتهایی کوتاه، پاسخ‌هایی حکیمانه دادند. آن‌گاه حضرت به حارس اعور که در مجلس حاضر بود، فرمود: این سخنان حکیمانه را به فرزندان خود بیاموزید؛ زیرا موجب تقویت عقل و مال اندیشی و صاحب‌نظری آنان می‌گردد (مجلسی، ۱۳۴۲، ج ۷۱: ص ۴۲۷).

۲. تبیین فلسفه مفاهیم دینی با زبان ساده: این نکته از آن جهت اهمیت دارد که فرزندان ما از کودکی با رفتارها و اعمال دینی مقلدانه عادت می‌کنند؛ ولی وقتی درباره فواید، چیستی و چرایی اعمال و مفاهیم دینی همچون نماز، وجود خدا، معاد و ائمه می‌پرسند، پاسخ روشنی نمی‌یابند و این موجب عدم تعمیق باورهای دینی در آنان می‌گردد.

برای نمونه می‌توانید درباره نماز به فواید آن اشاره کنید و نیز با ارائه تصویر جذاب از نماز بگویید: نماز در حکم یک استخر و شنا کردن در آن است. از فرزندتان پرسید: اگر در کنار منزل ما استخری با آب زلال باشد و شما روزی پنج بار در آن آب‌تنی کنید، آیا بدنت پاکیزه می‌شود یا نه؟ او در پاسخ می‌گوید: حتماً و شما ادامه می‌دهید: فرزندم! نماز نیز همین‌گونه است. نماز، حکم همان استخر را دارد که آلودگی‌های روحی ما را پاک می‌کند؛ همچنان‌که استخر آلودگی‌های بدن ما را پاک می‌کند (ر.ک: مجلسی، ۱۳۴۲، ج ۷۱، ص ۳۰۹).

۳. بیان نعمت‌ها و محبت‌های خداوند: مهم‌ترین صفتی که باید در معرفی خدا به فرزند از آن آغاز کنیم، «محبت» و «رحمت» خدا در مورد همه موجودات است. شما با بازگویی جلوه‌های رحمت خداوند برای فرزند خود او را با محبت الهی رشد می‌دهید و تصویری ماندگار در ذهن و دل او ترسیم می‌کنید. برخی از جلوه‌های مهر خدا به بندگان چنین است:

- نعمت‌های بی‌شمار: خداوند زمینه‌های رفع نیازهای زندگی و نعمت‌های بی‌شماری را در زندگی به‌رایگان در اختیار ما گذاشته است. خدا حتی از غذا و آذوقه پرندگان و حشرات در دل شب تاریک غافل نیست.



- خدا، نگهدار ماست: خداوند همیشه - به‌ویژه در هنگامه سختی‌ها و نیاز شدید - ما را یاری می‌کند. مصون ماندن کودکی گمگشته در دل بیابان از گزند حیوانات و گزنده‌ها، نمونه‌ای از رحمت و مهر خداوندی است.

- پاداش دو چندان: اگر ما عمل و حسنه‌ای انجام دهیم؛ مثلاً به پدر و مادرمان نیکی کنیم، خداوند پاداش ده برابر آن به ما می‌دهد و حتی به نیت‌های نیک ما که هنوز جامه عمل به آنها نپوشانده‌ایم، پاداش می‌دهد؛ ولی اگر گناه و عمل بدی را قصد کنیم، اما به آن عمل نکنیم، برای آن گناهی نمی‌نویسد و اگر انجام دهیم، تنها جزای یک گناه برایمان نوشته می‌شود: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا؛ هر کس کار نیکی را انجام دهد ده برابر آن پاداش خواهد دید و هر کس معصیتی مرتکب شود همان را کیفر می‌بیند» (انعام: ۱۶۰).

- خدا می‌بخشد: خداوند توبه‌پذیر است؛ یعنی اگر کسی گناهی را از روی نادانی مرتکب شود و از خدا پوزش طلبد و قول دهد که دیگر تکرار نشود و بر این قول خود وفادار باشد، خدا نیز گناه او را می‌بخشد و او پاک می‌شود؛ درست مانند کسی که تازه از مادر متولد شده است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ؛ خدا توبه‌کنندگان را دوست می‌دارد» (بقره: ۲۲۲).

- خدا سختی‌ها را جبران می‌کند: اگر در این جهان کوچک‌ترین غم و نگرانی و مصیبتی به ما برسد، خدا آن را با پاداش بی‌شمارش جبران می‌کند: «إِنَّمَا يُؤَفِّقِي الصَّابِرِينَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ به اهل صبر و شکیبایی، بدون محاسبه، پاداش کامل داده خواهد شد.» (زمر: ۱۰).

- مهربانی صد قسمتی است: پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید که خداوند متعال، مهربانی و محبت را صد قسمت کرده است. نود و نه قسمت آن را نزد خویش نگه داشته و یک جزء آن را به زمین فرو فرستاده است. از همین یک‌صدم است که مردمان به یکدیگر رحم می‌کنند و حتی چهارپا، سُم خودش را از بچه‌اش کنار نگه می‌دارد تا به او نخورد (سیدی، ۱۳۹۲: ص ۱۱۲).

۴. استفاده از قصه‌های ایمانی: متون دینی ما، اعم از قرآن و روایات، سرشار از قصه‌های آموزنده و درعین حال مناسب برای کودکان است. قصه‌هایی که مشتمل بر شکرگزاری به درگاه خدا، زندگی اولیای الهی و توجه به نعمت‌های خداست.

داستان‌هایی که برای کودکان نقل می‌شود باید دارای نکته‌ها و ویژگی‌های زیر باشد:

- معنادار باشد و هدفی را به کودک القا کند؛ دارای نکاتی مفید و سازنده باشد؛ مثل داستان



آفرینش و اینکه خدا چگونه ما انسان‌ها را از نسل آدم و حوا آفریده است. - محتوای داستان باید رابطه کودک با خدا را تقویت کند و به او القا نماید که هرگز نباید خود را در جهان تنها تصور کند؛ حتی اگر داخل چاه هم افتاده باشد و یا در داخل شکم ماهی قرار گرفته باشد خدا با اوست؛ چنانچه قصه حضرت یوسف و یونس در بردارنده چنین نکاتی است. این هنر قصه‌گو را می‌رساند که داستان‌ها را به ترتیبی بازگو کند که کودک احساس کند خدا در تمام دوران زندگی با اوست.

- درباره نکته یا داستان و یا استدلالی که می‌خواهید به فرزند خود بگویید پرحرفی نشود. اجازه دهید تا خود آن نکته و داستان، مفاهیم لازم را منتقل کند.

- داستان در حد سن کودک و متناسب با سطح پرسش‌های او باشد.

- روی داستان‌های قرآن که هدفی جز تربیت انسان ندارد تکیه کنید. کتاب‌هایی علمی و روان تهیه کرده، آنها را مطالعه کنید و هر از چند گاه بخشی از قصه را برای فرزندان خود حکایت کنید.

- در کیفیت بیان قصه‌ها برای کودکان باید دقت شود تا مبادا کودکان از نوع بیان ما، دچار سوء تفاهم شوند و در نتیجه تصور کودک از خدا نادرست شود.

۴.۴. شیوه‌های تعمیق در حوزه ایجاد معنویت دینی

در دوره‌های زندگی انسان، به‌ویژه از دوران نوجوانی و سپس جوانی، نسبت به معنویت‌ها و در رأس آن خداگرایی و گرایش به عشق برتر رخ می‌دهد. جوان در این سنین شوریده‌حال می‌شود، هیچ عشقی او را آرام نمی‌کند، هیچ جمال و کمالی از بی‌قراری او نمی‌کاهد، جز معنویت و ارتباط با خدا. راز معنویت‌گرایی نوجوانان و جوانان همین مسئله است؛ ولی متأسفانه هم خود نوجوانان و هم اطرافیانشان وقتی به معنویت درونی آنها که می‌توانست شمع، سپس شعله و آن‌گاه آفتابی درخشان در زندگی آنها باشد، توجه نکردند، به تدریج به خاموشی گراییده و تنها در بحران‌های زندگی که احساس تنهایی و شکست می‌کند، آن نور معنوی خودنمایی می‌کند. چگونه می‌توان معنویت دینی را از دوران کودکی و نوجوانی فعال کرد؟ در اینجا به برخی راهکارها اشاره می‌کنیم:

۱. استفاده از اشعار کودکانه: یکی از شیوه‌های مؤثر در تربیت ایمانی کودک بهره‌مندی از اشعاری ساده برای کودک است. امامان معصوم نیز در تربیت کودکان خود از آنها سود می‌بردند.



بارها شنیده‌ایم که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حسن و حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام را بر پشت خود سوار می‌کردند و آنها می‌گفتند: حَلْ حَلْ!! پیامبر نیز می‌فرمود: عجب اسب خوبی دارید شما دو نفر!! و این اشعار را با خود می‌خواند:

حُرُقَّةٌ حُرُقَّةٌ

تَرَقَّ عَيْنَ بَقَّةٍ

اللَّهُمَّ إِنِّي أُحِبُّهُ

فَأَجِبْهُ وَأَحِبَّ مَنْ يُحِبُّهُ

کوچولو! کوچولو! قربان چشمان کوچکت!

خدایا من او را دوست دارم شما هم، او و دوستارانش را دوست بدار!

آن‌گاه یکی از آن دو (حسنین) پاهای خود را بر سینه پیامبر می‌گذاشتند و پیامبر می‌فرمود: عزیزم! دهانت را باز کن، آن‌گاه دهانش را بوسه باران می‌کرد!

همچنین حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام در مکالمه با فرزندان خود از اشعار کوتاه و ساده استفاده می‌کرد؛ همچنان‌که خطاب به اولین فرزند پسر خود می‌فرمود:

أَشْبِهَ أَبَاكَ يَا حَسَنُ

وَأَخْلَعُ عَنِ الْحَقِّ الرَّسْنَ

وَاعْبُدْ إِلَهًا ذَا مِثْنٍ

وَلَا تُؤَالِ ذَا الْإِحْنِ

حسنم! شبیه پدرت باش! موانع را از سر راه حق دور کن

و خدای لطیف را که دارای الطاف است بپرست و هرگز از افراد کینه‌توز پیروی نکن.

نیز خطاب به حسین عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمود:

أَنْتَ شَبِيهٌ بِأَبِي

لَسْتُ شَبِيهًا بِعَلِيِّ

۲. استفاده از نامه‌نگاری: نامه‌نگاری یکی از شیوه‌های ایجاد احساس دینی و تعمیق باورهاست؛ نامه‌نگاری به خدا یا یکی از انبیا یا امامان معصوم. به فرزندان سفارش کنید با همان ذهنیت خوبی که از خدا دارد به خدا نامه بنویسد و از او چیزهایی بخواهد. سپس شما خواسته‌های آنها را برآورده نمایید تا کودک آن را به حساب خدا یا امام بگذارد. در ادامه یک نمونه از نامه‌های کودکان و نوجوانان را به خدا می‌خوانیم:

«ای خدای مهربان، تو را سپاس می‌گویم که پیامبران را فرستادی تا راه بهتر زندگی کردن را به ما بیاموزند. به ما کتاب قرآن دادی تا با راهنمایی‌های آن خوشبختی را در این جهان به دست آوریم. خدایا، سپاسگزارم که معلمی دانا و مهربان به ما دادی تا چون مشعلی فروزان ما را به ایمان و دانش هدایت کند.»



خدایا، تو را شکر می‌کنم که مرا با پیامبران، امامان و انسان‌های بزرگ‌تر آشنا کردی تا رفتارشان را سرمشق زندگی خود قرار دهیم.

ای خدای خوب، از تو سپاسگزارم که دوستانی خوب و صمیمی به من دادی که از آنها درس محبت، کوشش و علم‌آموزی بگیرم.

خدایا، نمی‌توانستم، توانایم کردی؛ نمی‌دانستم، دانایم کردی؛ تو را نمی‌شناختم، با خودت آشنایم کردی.

برای این همه نعمت و بخشش، تو را سپاس می‌گویم.

خدایا، به من کمک کن تا رفتاری پسندیده داشته باشم. بیشتر درس بخوانم و پیشرفت کنم تا در آینده به مردم خوب کشورم و به همه مردم جهان خدمت کنم» (جویاری، ۱۳۷۰: ص ۸۹).

۳. آموزش فرهنگ دعا و نیایش: دعا بهانه‌ای برای ارتباط با خدا و اولیای خدا و مفاهیم دینی است. دعا تأثیر فوق‌العاده‌ای در ایمان و رابطه فرزند با خدا دارد. این در حالی است که فرهنگ دعا در میان ما بسیار ناشناخته است. استفاده از دعا به عنوان روشی تربیتی برای تقویت ایمان کودک در سیره امامان معصوم به چشم می‌خورد:

- امام سجاد علیه السلام کودکان را جمع می‌کرد و خطاب به آنها می‌فرمود: «من دعا می‌کنم، شما هم آمین بگوید» (چنارانی، ۱۳۸۳: ص ۵۲).

- امام علی علیه السلام خطاب به امام مجتبی علیه السلام فرمود: «فرزندم! هیچ لقمه سرد یا گرمی را مخور و هیچ شربت یا جرعه آبی را منوش، جز اینکه قبل از خوردن و آشامیدن، این دعا را بخوانی: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي أَكْلِي وَ شُرْبِي السَّلَامَةَ مِنْ وَعْكِهِ وَ الْقُوَّةَ بِهِ عَلَي طَاعَتِكَ وَ ذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ فِيمَا بَقِيَّتُهُ فِي بَدَنِي وَ أَنْ تُشَجِّعَنِي بِقُوَّتِهَا عَلَي عِبَادَتِكَ وَ أَنْ تُلْهِمَنِي حُسْنَ التَّحَرُّزِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ؛ پروردگارا! از تو درخواست می‌کنم تا در خوردن و نوشیدن سالم بمانم و از درد و زیان آن در امان باشم و تا وقتی که آنچه را خوردم و نوشیدم در بدنم باقی است، توانایی و قدرت طاعت و سپاسگزاری از تو را داشته باشم و نیز با نیرویی که به من می‌دهی، مرا به عبادت خویش تشویق فرمایی و پرهیز نمودن از نافرمانی ات را به من عنایت فرمایی» (مجلسی، ۱۴۰۲، ج ۶۳: ص ۳۸۱).

- امام حسین علیه السلام: پدرم مرا به خواندن دعای جوشن کبیر و حفظ و بزرگداشت آن توصیه کرد و سفارش نمود تا آن را به خانواده‌ام تعلیم دهم و آنان را بر خواندن آن برانگیزانم. همچنین هنگام

وفاتشان دعا را بر کفنشان بنویسم (مجلسی، ۱۴۰۲، ج ۹۱: ص ۳۸۴).

با روش‌های ذیل می‌توان به کودکان و نوجوانان دعا کردن را آموزش داد:

- انس دادن و ترغیب کودکان به حفظ یا تکرار ادعیه کوتاه و جذاب و تشویق آنها در ازای حفظ هر بند دعا. به‌ویژه برخی تعقیبات نماز، ذکر صلوات، دعای سلامتی امام عصر و دعاهایی مانند: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا».

البته ضرورتی ندارد دعا به زبان عربی باشد. به فرزند خود بیاموزید که به زبان مادری دعا کند: خدایا به من کمک کن تا به پدر و مادرم احترام کنم.

۴. بیان رحمت و نعمت‌های خداوند به کودکان: هیچ چیزی به اندازه محبت کردن و مهربانی، انسان را به خود جذب نمی‌کند. وقتی می‌خواهیم ایمان کودکان به‌ویژه پیش‌دستانی‌ها را به خدا تقویت کنیم، باید از مهربانی فوق‌العاده خدا به بندگان بهره ببریم. کودک در این سنین دوست دارد بداند خدا چه اندازه بچه‌ها را دوست دارد؛ مثلاً از کودک خود پرسید: بیشترین محبت را چه کسی به ما می‌کند؟ غیر از مادر کسی دیگر هم هست؟ از همین رهگذر به کودک و نوجوان می‌گوییم، فرزندم! مادر چه قدر فرزند خودش را دوست دارد؟ او هم که هنوز گرمای مهر مادری را در وجود خود حس می‌کند می‌گوید: خیلی زیاد، یک عالمه. به این طریق ما می‌توانیم از این ذهنیت کودک استفاده کنیم و بگوییم خدا چندین برابر مادر، ما را دوست دارد. در تبیین صفت رحمت، بر محبت و بخشندگی خدا تأکید کنید. در این سنین به‌کاربردن واژه‌ها یا تعبیرهایی که این ویژگی خدا را مخدوش می‌کند پرهیز کنید و تبیین صفت خشم و قهار بودن خدا را برای کودک به سال‌های بعد موکول نمایید.

۵. پرهیز از دافعه‌ها و موانع تعمیق باورها

به همان میزان که عوامل چهارگانه ایجابی یادشده در تعمیق باورهای دینی اهمیت دارد، عوامل سلبی و پرهیزها دارای اهمیت است. موانع، شبیه پرهیزهایی است که پزشک به بیمار برای بهبودی توصیه می‌کند. هرچه بیمار اهل رعایت باشد، ولی اگر پرهیزها را رعایت نکنند موجب می‌شود بیماری‌اش رشد بیابد. بنابراین باید دقت گردد تا والدین و مربیان کارهای زیر را انجام ندهند:

۱. پرهیز از کاربرد زور و اجبار در نماز به‌ویژه در کودکی؛



۲. پرهیز از به هم زدن بازی و سرگرمی های لذت بخش برای نماز خواندن؛
۳. پرهیز از خسته کردن کودک و نوجوان با برنامه های اضافی؛
۴. پرهیز از وضو گرفتن و نماز خواندن بعد از تنبیه فرزند؛
۵. پرهیز از جدایی انداختن بین دو نماز؛
۶. پرهیز از سبک شمردن نماز و برگزاری آن با خنده؛
۷. پرهیز از دعوت کودک یا جوان به نماز هنگامی که او را به تازگی تنبیه کرده ایم؛
۸. پرهیز از نماز خواندن به هنگام خستگی و بی حالی؛
۹. پرهیز از یادآوری مجازات های دشوار و سخت خداوند؛
۱۰. پرهیز از تحمیل و توییح در انجام مسائل مذهبی؛
۱۱. پرهیز از عمل افراطی و خرافی در مسائل دینی؛
۱۲. پرهیز از ایجاد احساس تضاد دین با مفاهیم بشری و مسائل زندگی از جمله غرایز، لذت ها، نیازها؛
۱۳. پرهیز از افراط و تفریط در اعمال دینی.

همه این پرهیزها اگر نادیده گرفته شود، نوعی «تحمیل» تربیت بر کودک است. درونی سازی باورها، ارزش ها و رفتارهای دینی با تحمیل و امر و نهی و توجه به عوامل بیرونی منافات دارد.

درونی سازی با طریقی جز اکراه و اجبار و تحمیل امکان پذیر است. ناگفته پیداست که با این روش ها، معارف دین هرگز از جسم فرزند ما عبور نخواهد کرد و به ذهن و قلب او نفوذ نخواهد کرد. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغُلُوا فِيهِ بِرِفْقٍ وَلَا تُكْرِهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَى عِبَادِ اللَّهِ فَتَكُونُوا كَالرَّأِكِبِ الْمُثَبَّتِ الَّذِي لَا سَفْرًا قَطَعَ وَلَا ظَهْرًا أَبْقَى؛ این دین، متین و استوار است. با رفق و مدارا واردش شوید و احدی از بندگان را به عبادت خدا اجبار نکنید تا همانند اسب سواری نباشد که در اثر شتاب زدگی نه تنها به مقصد نمی رسد که مرکبش را هم از دست می دهد» (فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۲: ص ۲۵۴).

بنابراین ترغیب کودکان به دین و معنویت باید با تکیه بر روش های مناسب و کودکانه و نیز با تأکید بر زیبایی های دین انجام پذیرد.

برخی از والدین نوجوان را با اکراه و امر و نهی ملال آور، به آداب و تکالیف دینی وادار می کنند.

یک نوجوان گاهی به سبب نمازی که هنوز بر او واجب نیست و یا حتی مکلف است، ولی با زخم زبان او را تحت فشار قرار می‌دهند، طعم شیرین نماز و حضور در مجالس دینی را در کام او تلخ می‌کنند. در گذشته مشاهده می‌شد که پدر با رفتاری نامناسب فرزندش را برای نماز از خواب بیدار می‌کرد و گاه او را کتک می‌زد. این درحالی است که سیره امامان و عالمان نشان می‌دهد که آنها در مورد تکالیف دینی در عین جدیت، فرزندان را تحت فشار قرار نمی‌دادند و از آنها عیب‌جویی (مچ‌گیری) نمی‌کردند. روزی امام صادق (ع) به فرزندش اسماعیل فرمود: پسر! قرآن را بیاور و بخوان. اسماعیل گفت: من وضو ندارم! حضرت فرمود: اشکال ندارد قرآن بخوان، ولی به نوشته آن دست نزن» (مجلسی، ۱۴۰۲، ج ۴۴: ص ۳۲۷).

نتیجه‌گیری

آنچه به عنوان یک آسیب تربیتی در تعلیم و تربیت مربیان و والدین نمود آشکاری دارد، «تربیت سطحی، صوری و ظاهری» دین به فرزندان و «عدم تعمیق باورهای دینی و نیز توجه به «عوامل بیرونی» تربیت است تا عوامل درونی آن. همچنین توجه به ظواهر و کنش‌های دینی است تا باورها و ارزش‌های دینی. درونی‌سازی راهکار رهایی از این آسیب است؛ زیرا درونی‌کردن یک ارزش و فضیلت، عمیق‌ترین و پایدارترین پاسخ به نفوذ اجتماعی است. درونی‌سازی عاملی مهم در تعمیق باورهای دینی به شمار می‌رود. برای تعمیق باورهای دینی پنج گام اصلی باید برداشته شود:

۱. ایجاد انس دینی؛
 ۲. ایجاد عادت دینی؛
 ۳. ایجاد معرفت دینی؛
 ۴. ایجاد معنویت دینی؛
 ۵. پرهیز از دافعه‌ها و موانع تعمیق باورها.
- هر کدام از این دوره‌ها می‌تواند ویژه یک سن خاصی باشد: عادت دینی در دوره کودکی اول؛ انس دینی مربوط به دوره کودکی دوم؛ حس دینی مربوط به دوره کودکی سوم و معرفت دینی ویژه نوجوانان است.



کتابنامه

قرآن کریم

۱. امینی ابراهیم (۱۳۸۸)، تربیت، چ سوم، قم: بوستان کتاب.
۲. حرّعاملی (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: اهل البيت علیهم السلام.
۳. حسین سیدی (۱۳۹۲)، همنام گل های بهاری، چ دهم، تهران: نشر علم.
۴. رجبعلی مظلومی (۱۳۸۶)، گامی در مسیر تربیت اسلامی، چ ۹، تهران: نشر آفاق.
۵. ژان پیازه، و باربل اینهلدر (۱۳۸۳)، روان شناسی کودک، ترجمه: زینت توفیق، چ سوم، تهران: نشر نی.
۶. سید رضی (۱۳۸۲)، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، چ ۴۹، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
۷. عبدالعظیم کریمی (۱۳۸۹)، نکات روان شناختی در تربیت دینی فرزندان، تهران: انتشارات مدرسه.
۸. عبدالعظیم کریمی (۱۳۸۹)، تربیت چه چیز نیست، چ ششم، تهران: انتشارات مدرسه.
۹. علامه حلی (۱۳۸۱)، مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه، قم: بوستان کتاب.
۱۰. عین الله خادمی، «درونی کردن ارزش های اسلامی در دانش آموزان» (۱۳۸۹)، فصلنامه تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۲۸.
۱۱. محمد حسین طباطبایی (۱۳۸۵)، سنن النبی، دارالعلم.
۱۲. محمدباقر مجلسی (۱۴۰۲)، بحارالانوار، چ چهلم، تهران: اسلامیه.
۱۳. محمدتقی فلسفی (۱۳۶۸)، الحدیث (احادیث تربیتی)، چ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. محمدعلی چنارانی (۱۳۸۳)، رفتار امامان شیعه با کودکان و نوجوانان، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس.
۱۵. محمدعلی چنارانی (بی تا)، رفتار امامان شیعه با کودکان و نوجوانان، چ اول، مشهد: نشر فکر.

۱۶. محمود جویباری (۱۳۷۰)، نامه‌هایی به خدا، چ سوم، قم: وثوق.
۱۷. محمود نوذری (۱۳۹۶)، روان‌شناسی تحول دینداری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۸. مرتضی مطهری (۱۳۸۴)، مجموعه آثار، ج ۱-۶، چ ۲۳، قم: نشر صدرا.
۱۹. مرتضی مطهری (۱۳۹۲)، فلسفه اخلاق، چ ۳۴، تهران: نشر صدرا.
۲۰. مسلم گریوانی (۱۳۹۶)، خدایی که در این نزدیکی است (پرسشهای فرزندان درباره خدا)، چ سوم، قم: بوستان کتاب.
۲۱. مسلم گریوانی (۱۳۹۸)، نگاهی نو، جامع و کاربردی به فرزندپروری دینی، چ اول، قم: بوستان کتاب.
۲۲. مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا (۱۳۸۵)، نگاهی به پرسش‌های کودکان، تهران: نشر قطره.
۲۳. نوری طبرسی (۱۴۱۲)، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم: الاحیاء التراث.
۲۴. یاب ایریس (۱۳۸۳)، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ترجمه: مسعود حاجی‌زاده، چ دهم، تهران: صابرین.
۲۵. الیوت ارونسون (۱۳۸۰)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه: حسین شکرکن، چ اول، تهران: انتشارات رشد.